

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

۲۹ جولای ۲۰۱۵

## آیا "افغان - جرمن آنلاین" واقعاً یک پورتال ملی است؟

کمی پیشتر از یک هفته، وقتی که گرمی در برخی از کشور های اروپا به ۳۷ - ۳۹ درجه سانتی گراد (تخمین ۱۰۰ درجه فارنهایت) رسیده بود، گرمی که برای برخی از کشور های اروپا از جمله المان ناراحت کننده بود، اطفائی یکی از دهات در کشور اتریش، برای این که اطفال پناهنده ها را که غالباً از کشور جنگ زده سوریه می آیند، از شر گرمای شدید و طاقت فرسا نجات داده و کمی هم سبب شادی و تفریح آن ها شده باشد، دست به کاری زد که سبب شادمانی بی اندازه اطفال خرد سال پناهنده در کمپی در آن دهکده شد.

این ابتکار چنان که در عکس زیر می بینید، چیزی نبود جز پاشیدن آب به صورت باران مصنوعی به سر و روی کودکانی که از دنیا و واقعیت های آن، عوامل اصلی آوارگی و پناهندگی، جنگ، گشتار، وحشت، خشونت، انهدام آبادی ها و منازل مسکونی، غرش تانک ها و توپ ها، پرواز گوش خراش هواپیما های بم افکن بر فراز شهر ها، ریختن بم بر سر مردم بی دفاع، فقر و قحطی و آدم دزدی و تجاوز و اخاذی و ... بی خبر اند، و دنیای شان آن چنان کوچک است که با سرازیر شدن چند قطره آب به شکل باران بر سر و روی شان از خود بی خود می شوند و همه سختی هائی را که دیده و می بینند از یاد می برند.



این عکس زیبا با این دخترک شیرین و معصومانه ترین خنده به زودی در رسانه ها به نمایش گذاشته شد. هر کس، کسی در فیس بوک و کسی هم در تیوتر و روزنامه و مجله و پایگاه های اینترنتی در مورد این عکس تبصره نموده نظریات خویش را ابراز داشت.

تبصره ها به صورت معمول خوشایند و مثبت بود، به استثنای یک تبصره که از درون یک جوان واقعاً بیمار تراوش می نمود. این جوان بیمار و نژادپرست در فیس بوک خود با دیدن این عکس نوشته می کند که **آتش راه حل بهتر می**

بود، یعنی به جای آب برای رفع گرمی این دخترک (کودکان) بهتر بود از آتش استفاده می شد! طول و عرض و عمق و ارتفاع این نفرت برای هیچ انسان سالمی قابل سنجش و قابل درک نیست!

کمپنی موتر سازی "پورشه" قرارداد این جوان ۱۷ ساله کارآموز را، به مجرد دیدن تبصره وی در فئس بوکس، به دلیل بیان چنین سخن آشکارا نژادپرستانه و بیمارگونه، فسخ و وی را اخراج کرد. درست ترین کاری که باید مسؤولین این کمپنی، جایی که شاید بر طبق قانون کار این کمپنی بیان سخنان نژادپرستانه قابل تحمل نیست، می کردند، همین کار بود - تطبیق قانون بر طبق پالیسی کمپنی برای جلوگیری از ترویج نفرت و تحریک مردم نادان و احمق و نژادپرست علیه پناهنده ها، و علیه نظم و امنیت عامه!

خوب، شاید برخی از خوانندگان این نوشته بپرسند که پورتال "افغان-جرمن آنلاین"، که شما در عنوان این نوشته بدان اشاره نموده اید، با این موضوع چه رابطه ای دارد؟

این سؤال بجاست! پورتال مذکور با این موضوع هیچ سر و کاری ندارد. ولی آوردن این حکایت آنقدر ها که فکرمی شود، و یادی از پورتال "افغان-جرمن آنلاین"، بدون دلیل هم نیست!

ببینید، چند روز پیش مقاله ای به قلم آقای هاشمیان با این عنوان "کمیسون انتخابات با موفقیت [موفقیت] دیگر داکتر عبدالله برای غصب قدرت" در پورتال "افغان-جرمن آنلاین" به نشر رسید، که با وضاحت تمام نفرت آقای هاشمیان را نسبت به اقوام دیگر، غیر از قوم شریف پشتون، نشان می داد و می توان گفت که این نوشته به نوعی به هدف ترویج نفاق و شقاق و دشمنی و در نهایت دوری اقوام و به هم زدن زیست باهمی ملت افغانستان و متزلزل ساختن بیشتر ثبات کشور تحریر یافته بود. نوشته ای که تحت هیچ عنوان و به هیچ بهانه ای نباید بدین گونه و با آوردن جملاتی که می تواند سبب تخریش بیشتر بین افراد و اقوام مختلف کشور در شرائط بحرانی کنونی گردد، نگاشته می شد و نه باید در پورتال "افغان-جرمن آنلاین" به نشر می رسید!

برخی از عبارات نوشته آقای هاشمیان را برای مثال و منحیث مدرک خبائثت وی، به مثابه نمونه ذیلاً نقل می کنم:

- پشتونها اگر میخواهند در افغانستان اجازه زندگی داشته باشند، باید بالای اختلاف خود پرده انداخته هدف شورای نظار را خنثی سازند، یعنی در لویه جرگه آینده اکثریت عنعنوی [عننه نی] خود را حفظ کنند و به تعدیل قانون اساسی و فورمول (جان کری - آمریکا) رأی ندهند.

- قرارمسموع پلان هایی روی دست است که پشتون ها را آهسته آهسته معدوم و نابود ساخته یا به تبعید و فرار مجبور سازند.

- دوستم، عطاء و محقق، به یک ائتلاف نظامی متشبه شده اند تا از این طریق سلطه و قدرت و ثروت خود را حفظ و اضافه کنند و این در حالیست که اطفال پشتون یا در جنگ ها کشته می شوند یا چوب چلک و سرگین چینی میکنند، ولی به قرار احصائیه های منتشره در جوامع تاجک، هزاره و ازبک، در هر کدام هزار ها داکتر و ماستر و لیسانس تولید شده اند...

- از جانب دیگر بیعدالی که در حق اولاد پشتون صورت گرفته متأثر میباشیم، چون که بورسهای تحصیلی عالی در ۱۳ سال اخیر به طور غیرمنصفانه، بلکه به اساس امتیازات و تبعیضات قومی، توزیع شده اند...

جواب این چهار نکته را در اخیر همین نوشته خواهم نگاشت. اگرچه قصد جواب گفتن به این سخنان پریشان را که بوی چرکین و نفرت انگیز برتری قومی - نژادی را با خود می آورد، یکبار دیگر نداشتم. زیرا قبلاً جواب نسبتاً کوتاهی در این زمینه نوشته ام که در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" اقبال نشر یافت، ولی پورتال "افغان-جرمن آنلاین"، چون این جواب موافق به نیات باطنی اش نبود، از نشر آن خود داری کرد؛ و به این ترتیب روش بی طرفی دروغین خویش را عملاً و به گونه ای آشکار نقض کردند.

بخشی از "روش نشراتی" این پورتال را ناگزیرم غرض التفات و آگاهی بیشتر خوانندگان در اینجا بیان می‌کنم:

### روش نشراتی پورتال "افغان-جرمن آنلین"

پورتال "افغان-جرمن آنلین"، یک ارگان نشراتی غیر وابسته می‌باشد و به هیچ حزب، گروه و جناحی تعلق و وابستگی ندارد. این پورتال متعلق به ملت افغانستان است و خود را متعهد به انعکاس نیازها و آرمان‌های مردم می‌داند، که روش نشراتی خود را ذیلاً ارقام می‌دارد:

- اول - پورتال مبشر افکار اندیشمندان، وطن‌دوستان و مدافع هویت ملی افغان‌ها می‌باشد.
- دوم - مرام ما در قدم نخست در عرصه‌های رسانه‌یی، حفاظت از منافع عمومی (ملی)، تمامیت ارضی، وحدت ملی و صلح و صفا میان تمام مردم افغانستان و حمایت از خوشبختی و سعادت هموطنان عزیز ما می‌باشد.
- سوم - چون جنگ، خشونت، انارشیزم و عصبیت‌های سیاسی برای ما مصیبت‌های فراوان را در قبال داشته است، ما بر علیه **[بر اضافی است]** این گرایش‌های منفی مجادله خواهیم نمود.
- چهارم - ما هر اثر و نظری را که در تأمین صلح و امنیت در وطن ما نقش مثبت بجا **[به جای]** بگذارد، به نشر می‌رسانیم. بنا بر آن ما در نشرات خود در اول وهله **[وهله]** آن مقالات وزین و تحقیقی را که با خطوط متذکره بالا مطابقت و قرابت داشته باشد حق اولیت **[اولویت]** خواهیم داد، خصوصاً آن مقالات و آثاری را که تحکیم وحدت ملی، نزدیکی، اخوت و همبستگی را میان تمام مردم ما به ارمغان آورد.
- پنجم -

۱- پورتال "افغان-جرمن آنلین" خود را به اصول نشراتی قبول شده جهانی پایند می‌داند. به این اساس حق آزادی بیان، اندیشه و عقیده و افکار نزد ما سرحدی را نمی‌شناسد. این مرزها اگر مشخص شوند، حفظ کرامت و حیثیت دیگران، احترام به انسان و شرف انسانی، ممانعت از تعرض به دیگران، ممانعت از نشرات خلاف آداب و اخلاق انسانی و افغانی، کثرت‌گرایی، رعایت حرمت به عقاید دینی، و احترام به دگراندیشی و رعایت آن می‌باشد. ما به تنوع اندیشه‌ها و افکار معتقد هستیم و به این باوریم که دسترسی به افکار متنوع می‌تواند جوانب مثبت و منفی همه اندیشه‌ها را به آسانی فراهم بسازد.

۲- افغان جرمن آنلین یک پورتال کثرت‌گرا (پلیورالیست) است، به این جهت هرگونه آثار و تألیفاتی را که به تمایلات مختلف دیدگاهی متعلق باشد، به نشر می‌رساند، مشروط بر اینکه این آثار مغایر مصلحت‌ها و مفاد ملی کشور ما نباشد و نیز در تناقض با تمنیات روش نشراتی ما نگاشته نشده باشد. این پورتال با تعهد و رعایت کثرت‌گرایی و حق آزادی بیان در تعمیم این تعهد کوتاهی نخواهد کرد.

حال خواهش من از خوانندگان محترم این نوشته و همچنین از مسؤولین محترم پورتال "افغان-جرمن آنلین" این است که نگاهی دوباره به آنچه آقای هاشمیان نوشته‌اند و به روش نشراتی پورتال افغان-جرمن انداخته ببینند که آیا نوشته آقای هاشمیان با آن گونه تبلیغات ضدملی و نفاق افکنانه و کوشش شرم‌آور برای قرار دادن قومی در برابر سایر اقوام قابل نشر بود یا نه - اگر پورتال افغان جرمن واقعاً به عنوان یک پایگاه اینترنتی **بی‌طرف، خواستار تحکیم وحدت ملی، نزدیکی، اخوت، همبستگی، صلح و صفا میان تمام مردم افغانستان، حمایت از خوشبختی تمام مردم افغانستان، حفظ کرامت و حیثیت دیگران و احترام به انسان و شرف انسانی و مدافع هویت ملی افغانان و...** عمل می‌کرد؟!

نظر من این است که پورتال "افغان-جرمن آنلین" نه آنقدر کم حافظه است که آنچه را به عنوان روش نشراتی خویش در پورتال درج نموده است، فراموش کند، نه آنقدر بی‌سواد و ساده است که نتواند نوشته آقای هاشمیان را نفهمد و از نیات و اهداف آقای هاشمیان چیزی درک نکند، و نه آنقدر تحت تأثیر همکاران خویش قرار دارد که نتواند نوشته‌ها را

اصلاح نموده یا از نشر آن ها، در صورتی که مخالف پالیسی این پورتال یا مخالف مصالح و منافع کشور باشد، جلوگیری نماید!

پس دلیل نشر چنین مقاله تحریک کننده یا به قول انگلیس ها (instigator) و به قول المان ها (Anstifter)، چه می تواند باشد، غیر از این که خود پورتال "افغان -جرمن آنلاین" نیز دارای افکار مشابه و همانند افکار آقای هاشمیان باشد. افکاری که به هیچ وجه نمی تواند به سود کشور و ملتی در ماتم نشسته و درگیر دشمنی و جنگ باشد.

چنین افکاری به وضوح مغایر مصالح و مخالف منافع ملی کشور است. در چنین اوضاعی که کدورت ها به حد اعلی آن رسیده است، کسانی که واقعاً در فکر منافع و مصالح مردم و کشور هستند، هیچ گاهی به سخنانی که سبب افزایش رنجش ها گردند، متوسل نمی شوند. اگر کسی پیدا شود و بگوید که پورتال "افغان -جرمن آنلاین" سخنان آقای هاشمیان را نمی فهمد یا متوجه نیات این انسان اهریمن صفت نیست، من با قبول تمام مسؤولیت می گویم که این انسان، ساده لوح ترین انسان در جهان است. زیرا قبول این سخن که چرخاندن یک پورتال برای کسی که گپی با این وضاحت را نفهمد، به آن می ماند که بگوئیم Terence Tao (یک ریاضی دان استرالیایی) با هوشمندی برابر با IQ ۲۳۰، یک انسان بی کیاست، کم عقل و دیوانه است!

سخن را کوتاه می کنم و دریک کلام می گویم که اساساً این پورتال "افغان -جرمن آنلاین" است که با پالیسی ضدملی خویش هدفمندانه زمینه ای برانگیختن و تهییج یک قوم را علیه اقوام دیگر به وسیله کسانی مانند هاشمیان فراهم می کند. و نوشته ای را که به ضد این روش و علیه چنین نویسندگان و در راستای دعوت مردم برای همزیستی و وحدت و یکدیگرپذیری و رفع خصومت و کار مشترک برای بیرون رفت از این وضع ناگوار نگارش یافته است، در پورتال نشر نمی کند!

من که چنین مقاله ای را نوشته و به این پورتال فرستاده بودم، صرف برای آن که مطمئن شوم که آقای هاشمیان و حامیان وی آن را بخوانند، نه از برای این که نشر آن در "افغان -جرمن آنلاین" به من نان و آبی می دهد، طوری که گفته شد، چون قصد پورتال "افغان -جرمن آنلاین" کوشش برای تفوق بخشیدن محتوم الحدوث به یک قوم است، این نوشته اقبال نشر را در این پورتال نیافت. حال می خواهم جوابی را که به آقای هاشمیان نوشته بودم به ملاحظه خوانندگان محترم، وطن دوست و دردمند این مقاله برسانم تا دیده شود که آیا پورتال "افغان -جرمن آنلاین" واقعاً طوری که مدعی است، یک پورتال بی طرف و ملی است، یا نه؟ به فکر من اگر این پورتال واقعاً یک پورتال ملی می بود و برای آرامی و سعادت و همبستگی ملی در کشور کوشش می کرد، از نشر مقاله من که تنها با همین نیت نوشته شده بود، ابا نمی ورزید! توجه کنید به نوشته من که به قصد کنکاش نوشته آقای هاشمیان ارقام یافته بود؛ با اضافاتی که به رنگ آبی نشانی شده است:

«سیدهاشم سدید»

۲۳.۰۷.۲۰۱۵

آقای هاشمیان بالاخره پرده از روی نیات ضدملی خویش برداشت!

**عادت بد جلو ورود به صراط مستقیم را می گیرد**

نوشه اخیر آقای هاشمیان با سرآغاز "کمسیون انتخابات یا موفقیت [موفقیت] دیگر داکتر عبدالله برای غصب قدرت" بدون تردید برای همه افغانانی که به یک افغانستان واحد، متحد، قوی، متشکل، آرام و باثبات می اندیشند، جایی که همه

اقوام از پشتون گرفته تا تاجک و هزاره و ازبک و ترکمن و بلوچ و نورستانی و ایماق و عرب و گوارباتی و قزلباش و طاهری و براهوئی و مغول و شیخ محمدی و شیخانی و تیموری و...، با حقوق برابر، در تفاهم کامل، با هویت ملی واحد به نام "افغان" زندگی کنند، شوکه ای بود بسیار وحشتناک و گیج کننده!

شکی نیست که دوستم و محقق و عطا محمد نور و ده ها انسان زورگو و جنایت پیشه دیگر مربوط به اقوام تاجک و هزاره و ازبک، بعد از هجوم امریکا به افغانستان، زمانی که فرصت چور و چپاول برای شان مهیا گردید، با استفاده از قدرت، دست به غارت و تاراج سرمایه های ملی زدند. اما:

**اول)** حدود چنین یغماگری ها تنها به افراد مربوط به یک قوم منحصر نمانده است. از هر قومی افرادی را می توان به شکل نمونه مثال داد که مرتکب فساد و چور چپاول و سوءاستفاده از قدرت شده و دست به جنایات نابخشودنی زده اند. مکت بر روی افراد یک قوم، نشاندهنده غرض یا هواداری افراطی از یک قوم و دشمنی نسبت به قوم یا اقوام دیگر است. چنین عملی ننگین و تعصب آلود و چرکین در کشوری که قبلاً دستخوش هرج و مرج، آشفتگی و بی ثباتی می باشد، بی نهایت وخیم و هالک است.

شرایط موجود کشور ایجاب می کند که ارائه نظر در این زمینه ها، یعنی در ارتباط با دوستی و دشمنی، یا حق و حقوق اقوام، طوری باشد که ایجاد حساسیت بیشتر نکند. حساسیت ها، بدون آنهم در کشورما، بیشتر در اثر تفتین بیگانه های بدخواه و مغرض، به حد اعلی آن رسیده است. وظیفه خردمندان نیکخواه جامعه این است که حساسیت های ایجاد شده را تا می توانند کاهش بدهند، تا آن که همه اقوام این کشور در هماهنگی و سازگاری کامل درکنار هم زندگی کنند و کشور را به سوی ترقی و آبادی و وحدت و قوت ببرند. در یک کلام: خردمندان نیک پندار و نیکخواه ما، اگر واقعاً خردمندان دلسوز برای همه مردمان کشور هستند، باید برای وصل کردن اقوام که سبب قوت کشور است بکوشند، نه برای فصل کردن یا بخش بخش ساختن مردم و یکی را در برابر دیگری قرار دادن، که می تواند به بخش بخش شدن کشور منتج شود!

**دوم)** کاری را که یک مشت از انسان های جانی و غاصب و فاسد و زورگو، مربوط به هر قومی که باشد، می کنند، نباید به نام تمام افراد یک قوم به حساب آورد! این کار بی انصافی است، که شاید بی انصاف ترین انسان ها هم حاضر نباشند بدان توسل بجویند!

از جانبی طالب، و افراد بیرحم گروه داعش، با همزمان شان که از اتباع چندین کشور تشکیل شده اند، هر روز به نام دین و به نام خراسان، امنیت کشور را مختل می سازند و صدها افغان، اعم از پشتون و تاجک و هزاره و ازبک و ترکمن و بلوچ و مغول و اشکمشی و شغنانی و... را از دم تیغ می گذرانند. دولت هم توان حفاظت مردم را یا ندارد، یا نمی خواهد در حفاظت مردم به شکل جدی اقدام کند. در چنین حالتی هر انسانی باشد، برای حفاظت زن و فرزند خود، برای حفاظت دارائی و ملک و ده و شهر و استان و کشور خود، همین کار را می کند که دوستم و محقق و نور کرده است - برکنار از جنایت کار و فاسد بودن آن ها و...!

جنایت پیشگانی مانند داعش و طالب و حقانی و کلبدین حکمتیار، که عملاً از سوی یک تعداد کشورها، به ویژه پاکستان، سرسخت ترین دشمن افغانستان، پشتیبانی می شوند، در شمال کشور دست به کشتار مردم بی گناه می زنند، و مردم را، که چاره دیگری ندارند، مجبور به آن می سازند که در برابر آن ها متحد شوند و دست به سلاح ببرند!

بدخشان و فاریاب و بلخ و بادغیس و غور و هرات و... مانند قندهار و جلال آباد و کنر و هلمند و... همه جزء خاک افغانستان هستند. وظیفه حفاظت هر منطقه در کشور به دوش دولت است، ولی دولت وظایف خویش را در قبال حفاظت مردم و حفاظت خاک جدی نمی گیرد. در حالی از صلح با طالب دم می زند و از صلح حمایت می کند، که طالب هر روز در برابر نیرو های دولتی می جنکد و سربازان اردو و پولیس ملی را همراه با مردم غیرنظامی با قساوت کامل

سر می برد! این ها هر کدام مادر و پدر و خواهر و برادر و زن و فرزند و خویش و قوم دارند! فراموش نکنیم که در میان این کشته شدگان افرادی از هر قوم وجود دارد - از قوم پشتون هم!! آیا این انسان ها تبعه افغانستان نیستند؟ آیا دولت مسؤولیت حفاظت این ها و زن و فرزند و مال و ملک شان را به دوش ندارد؟ آیا این ها مستحق در صلح و صفا زیستن نیستند؟ آیا جنگ، خشونت، انارشیزم و عصبیت های سیاسی تنها در مناطق جنوب و شرق و جنوب غرب کشور مصیبت و گرایش منفی پنداشته می شود؟ همه این سلاح به دستانی که در شمال کشور نفوذ کرده اند و هر روز سر و گردن می برند و فاجعه می آفرینند، و هر روز قدرت و قلمرو شان بیشتر و بیشتر گسترش می یابد غیر از گروه طالب و حقانی و حکمتیار و داعش، که نصف آن فعلاً از انشعابی های طالبی تشکیل شده است، کسی دیگری است؟ این ها همه ادعای پشتون بودن دارند! مگر شما دفاع به حق مردم مناطق شمال کشور در برابر این مهاجمین را به حق نمی دانید؟

فرض کنید گروه هائی متشکل از افراد غیر پشتون به مناطقی در جنوب کشور حمله ور می شدند و درست به همان جنایاتی که گروه های طالب - داعش در شمال کشور دست می زنند، در جنوب کشور دست می زدند؛ و دولت هم هیچ اقدام دلسوزانه، عملی، جدی و مسؤولانه در زمینه طرد و دفع این وحشیان جنایت کار و مجری اوامر بیگانه ها انجام نمی داد، شما برای بیرون رفتن از اینگونه موقعیت دشوار و ناگوار چه پیشنهاد می کردید؛ آقای هاشمیان؟! آیا بسیج عموم مردم مناطق جنوب کشور را در دستور کار تان قرار نمی دادید؟؟

پیشنهاد من طی یک مقاله، در زمانی که مردم یکی از مناطق پشتون نشین در یکی از ولایات کشور علیه طالب سلاح برداشتند، این بود که برای دفع شر طالب، حفاظت از جان و مال خود، و کوتاه کردن دست عمال پاکستان، باید در تمام کشور، خود مردم به تاسی از مردمان همین منطقه، سلاح بردارند و هر یک، طالب را از منطقه خود برانند. این فراخوان مخصوص به هیچ قوم خاصی نبود! خواهشی بود از همه در هر منطقه و محلی که از دست طالب در رنج و عذاب بودند؛ خواه پشتون و خواه هزاره و تاجک و...

این کار به عنوان یک وظیفه ملی، باید برای همه سرمشق قرار گیرد. من بار ها از زبان انسانان ملی و خردمند و خوش قلب، به ویژه از زبان برادران پشتون خود، شنیده ام که طالب را، تنها برای جنایات و خشونت هایش، مربوط به قوم خویش، با وجودی که اکثریت قریب به اتفاق طالب به قوم پشتون تعلق دارند، نمی دانند؛ زیرا این ها افغانستان را از شمال تا جنوب و شرق تا غرب، یک کشور، و تمام اقوام باشند در این خاک را افغان می دانند و می نامند و هر کسی را که به دستور بیگانه برای خرابی و تجزیه افغانستان کمر بسته است، نه جزء قوم خود می دانند، و نه افغان! بحث پشتون و تاجک و هزاره و ازبک و ترکمن و... در چنین شرائطی در واقع کاری است در راستای در دادن آتش جنگ داخلی که می تواند سبب جدائی مردم و تجزیه خاک گردد. دعوت یک قوم برای طرد و دفع قوم دیگری برای دفاع از طالب یا داعش، یا برای گرفتن قدرت، دعوتی است جنگ طلبانه و خائنانه که تنها آشوب طلبان خائن آن را مطرح می کنند!

دلیل دو صد و شصت و هشت سال حکومت یک قوم برای تداوم حکومت آن قوم، به هر علتی، در دنیای امروز دلیلی است بسیار دور از منطق!

انتخابات یکی از مؤلفه های دموکراسی است. بگذارید به شکل منصفانه، شفاف، بدون دست کاری و تخطی برگزار شود. هر کسی که رأی بیشتر برد، از هر قوم، خواه بزرگ و خواه کوچک، باید زمام امور و اداره کشور را به دست بگیرد؛ مانند سایر کشورهای هائی که به دموکراسی باور دارند! برازندگی و حقانیت دولت ها باید در برگزیدگی آن ها از جانب مردم و در شائستگی و تقوا و عشق به مردم و کشور باشد، نه در، در اختیار داشتن قدرت تحت این یا آن نام!

دولت ما کفایت لازم را برای مدیریت بانسته برای کشیدن کشور از بحران موجود ندارد. تهداب این دولت را کمیسیون انتخابات به دستور کرزی کز گذاشت. دفاع از این کمیسیون کار وطن پرستانه و عاقلانه و کار مردمان دوراندیش و پاک نهاد نیست. کار حکومت داری از زمان جلسه بن کز گذاشته شد. دیشب آقای گیلانی در جواب پرسش گرداننده برنامه یک تلویزیون گفت: "آقای خلیزاد می خواست رئیس جمهور پشتون، از قندهار و آقای کرزی باشد!"

ظاهر شاه پیر بود، شاید مغزش هم خوب کار نمی کرد، گذشته از این در دوران چهل پادشاهی اش چگونه که لازم بود مصدر خدمتی به مردم و به کشور نشده بود، اما حقیقت این بود که نسبت به کرزی می توانست صد مرتبه برای کشور مفیدتر ثابت گردد، چرا که هم مردم او را می شناختند و هم دارای حزب نیرومندی بود! کرزی را کسی نمی شناخت. همچنان احمدزی را! این ها، هر دو، برای کسب پشتیبانی مردم باید مسأله پشتون و تاجک و... را دامن می زدند، که از طریق عمال شان زدند؛ در حالی که در ظاهر از وحدت و از یک ملت حرف می زدند. این دو در عمل مردم را به سوی تفرقه برده و می برند!

دولتی که طالب و داعش می خواهد تشکیل بدهد، برای هیچ انسان صاحب عقل و منطق، انسان زمان ما، انسانی که به فکر آزادی فردی و به فکر دموکراسی و حقوق بشر و حق برابر زن و مرد و آزادی عقیده و وجدان و درس و تعلیم و تحصیل و دست یافتن به مظاهر تمدن امروزی است، نه قابل قبول است و نه قابل تحمل!

گره زدن اتحاد هزاره و ازبک و تاجک و... که می خواهند با طالب و داعش بجنگند، با مخالفت و دشمنی با قوم پشتون، بیشرمی صاف و صریح، و جنایت و خیانت است! قوم شریف پشتون در کشور به همان اندازه ای که سائر اقوام از دست طالب و داعش اذیت شده اند و درد کشیده اند و کشته داده اند، اذیت شده اند، درد کشیده اند و کشته داده اند! آتش جنگ هیچ قومی را در کشور بی داغ نمانده است. همه داغ دیده و غم کشیده اند!! و همه در، در دادن این آتش سهم خویش را بازی کرده اند؛ هم هزاره، هم پشتون، هم تاجک، هم ازبک و هم عرب و...

حملات طالب در جلال آباد و هلمند و قندهار و پکتیا و ارزگان و... نمایانگر دشمنی این دو گروه، و گروه های حقانی و حکمتیار، با مردم افغانستان است، نه با یک قوم خاص!

علت سر و صدای آقای هاشمیان از اتحاد سه فرمانده در شمال چیست؟ جواب: قیام مردم در برابر تهاجم و بیداد طالب، گروهی که آقای هاشمیان بدان تعلق دارد! چند روز پیش طی مقاله ای نوشتم که ایشان در زمان امارت اسلامی افغانستان به دیدن ملا عمر رفته علاوه بر بیعت به این ملا بوسه اخلاص به چشم کور وی زده است. این گفته اتهام نیست!

آقای هاشمیان آرزو دارند که ملای مذکور دو باره به کرسی قدرت تکیه بزنند تا او بتواند محصول بذری را که کشته است، بردارد! و حال که می بیند این راه با جدی شدن یک تعداد انسان های مخالف طالب بسته می شود، مسأله پشتون و تاجک و هزاره و... را بهانه قرار داده می خواهند با دعوت پشتون ها به اتحاد علیه سائر اقوام، کشور را به سوی جنگ داخلی سوق بدهند! علت بی تابی بی حد و حصر وی همین است؛ نه چیز دیگری!

موضوع دیگر این است که من با هر نوع تبعیض به شدت مخالف هستم. اگر واقعاً قرار گفته آقای هاشمیان "اطفال پشتون یا در جنگ کشته می شوند یا چوپ چلک و سرگین چینی می کنند و هزاره ها داکتر و مایستر و لیسانس تولید شده اند(!)... " این عمل را، همانطور که موضع گیری حکومت عبدالرحمان خان و... را در برابر هزاره ها مورد نکوهش قرار داده ام، مورد نکوهش قرار می دهم، اما:

**اول:** آیا طی این همه سال قدرت سیاسی در دست هزاره ها بوده است، که آن ها بتوانند از این قدرت سوءاستفاده کرده زمینه تحصیل را تنها برای بچه های خود مهیا کنند و مانع تحصیل دیگران شوند؟



از زمانی که حکومت دموکراتیک خلق (خلق و پرچم) سقوط کرد تا امروز، به استثنای چهار سال، تا همین اکنون در رأس حکومت ها افرادی بوده اند که به قوم پشتون تعلق داشته اند - این موضوع را تنها برای مثال یاد می کنم؛ هیچ هدف قوم مدارانه ای در یادآوری این مسأله وجود ندارد! در چنین شرائطی و زمانی که حاکمیت و حکومت در دست پشتون هاست، چطور ممکن است که هزاره ها یا تاجک ها و ازبک ها بتوانند اطفال خویش را بورس تحصیلی داده صاحب تحصیل بسازند و برادران پشتون ما نتوانند این کار را بکنند؟

از جانب دیگر در حملات انتحاری و در جنگ نان و حلوا تقسیم نمی شود! این حملات در سرتاسر کشور صورت می گیرد و از هر گروه قومی قربانی می گیرد - اگر بحث را به اقوام بکشانیم، که از نظر من این کار یک جنایت است! در میان آن سی نفر سربازی که در بدخشان سر بریده شد، من باب مثال، هم هزاره بود، هم پشتون، هم تاجک، هم ازبک و... از یکی یاد کردن و دیگری را عامدانه به فراموشی سپردن، به آشوب در کشور و مشکل ملت افزودن و خیانت و جنایت است.

خردمندان و ملی گرایان ما فرزندان هر یک از اقوام ساکن این کشور را فرزند خود می دانند و میان هیچ کدام فرقی قائل نمی شوند! ولی آقای هاشمیان...؛ پناه به خدا!! از کوزه همان بیرون تراود که در اوست!!!

واقعیت این است که هزاره ها، تقریباً اکثریت شان، در دوران اقامت در ایران، به هر مشکلی که بود، درس و تحصیل شان را پیش بردند و در رشته های گوناگون داکتر و مایستر و لیسانس شدند! در افغانستان چنانچه در دوره های پادشاهانی مانند عبدالرحمان و حبیب الله خان و نادر خان و ظاهر خان برای هزاره ها امکانات دست یافتن به تحصیلات عالی و مقام های بلند میسر نبود، در زمان طالب و کرزی و احمدزی هم چنین امکاناتی برای آن ها، اگر خود تلاش نمی کردند، میسر نمی شد! این ها به اهمیت و ارزش درس و مکتب تعلیم و علم، هم به مفهوم "SCIENCE" و هم به مفهوم "KNOWLEDGE" پی برده اند و می دانند که در دنیای امروزی درس و تعلیم و علم و دانش چه اهمیتی دارد - می دانند که دانائی توانائی است. از این رو، بعد از تهاجم امریکا و مساعد شدن امکانات برای شان، تا توانستند به احداث مدرسه و مکتب و دانشکده و دانشگاه در مناطق شان مبادرت ورزیدند و اطفال شان را تشویق به کسب به رفتن به مکتب و کسب دانش کردند. این در حالیست که دیگران مکاتب آباد شده را در مناطق خود به آتش می کشیدند و اطفال شان که خواهان رفتن به مکتب بودند، را مانند "ملاله" ها ترور می کردند!

باوجود این، حقیقت این است که هزاره ها تنها کسانی نیستند که به اهمیت درس و تعلیم پی برده و خود را رسانده اند. در میان سایر اقوام نیز اگر به دقت دیده شود، خواهیم دید که افراد زیادی هستند که دارای تحصیل و دانش و معرفت و تخصص هستند. نادیده گرفتن کمیت این انسان ها و اشاره به یک یا دو قوم از میان ده ها قوم در کشور، خود نمایانگر غرض و تعصب است. کاری که در طول قرون گذشته استفاده جویان خواهان قدرت بدان توسل جسته اند، تا کرسی و مقام و برتری اجتماعی - قومی - سیاسی خویش را نسبت به دیگر اقوام حفظ کنند.

همه آنچه را گفتم، اگر کوتاه کنم، می شود این که: این مرد هشتاد و هشت ساله که واقعاً عقلش را از دست داده است، نمی داند که در کدام زمان چه بگوید و چه نگوید. از این رو بهتر است که قلم را ببوسد و به گوشه ای بگذارد و بپذیرد که مغزش دیگر به خوبی کار نمی کند! اگر مغزش درست کار می کرد، تنها به جنایات، به فساد گسترده، به سازش های افراد با کشور های بیگانه، به غصب اموال و دارائی و ملکیت مردم و ده ها جرم و تبهکاری دیگر آن ها و امثال آن ها اشاره می نمود، بدون این که این مسائل را به دشمنی میان اقوام گره بزند و نامی از پشتون و هزاره و ازبک و... ببرد!! ولی چه کنیم که "عادت بد جلو ورود به صراط مستقیم را می گیرد!!"

پایان»

با چنین موضع گیری آیا می تواند شکی در ضدملی بودن پورتال "افغان - جرمن" باقی می ماند؟ من که فکر نمی کنم!!



**یادداشت:**

اغلاط املانی در داخل کروشه [ ] به رنگ سرخ، در نوشته های آقای "هاشمیان" و "افغان-جرمن آنالین"، از طرف ویراستاران پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" مشخص شده است. امیدواریم آنهایی که در عقب نقاب حمایت از زبان "دری" اما در اساس کینه و نفرت علیه آن زبان فرهنگ سازی پیشه نموده اند، قیل از آن که دست به تدوین فرهنگی بزنند که بی فرهنگی را فریاد بزند، اندکی متوجه املاء و انشای شان گردیده، بیش از این به ترویج غلط نویسی به مثابه سبک منحصر به فرد شان نپردازند.

اداره پورتال AA-AA